

مسجد و جنبه‌های عبادی آن

مهدی سلطانی رنانی

مسجد از نگاهی خانه خداست^۱ و از منظری دیگر، مجلس و جایگاه پیام‌آوران بزرگ الهی و مأوای همه تقوایبندگان؛ که «المساجِدُ مَجَالِسُ الانبياء»^۲ و «المساجِد بيوت المتقين...»^۳.
در فرهنگ دینی نام مسجد یادآور بندگی و کرنش در پیشگاه خداوند متعال است. مسجد به معنای جایگاه سجده، و سجده، اوج عبادت و بندگی انسان برای خداست. از این رو، توصیف این خانه بزرگ و پرشکوه را باید از زبان صاحب آن شنید و برای شناخت و پی بردن به گوشه‌ای از فضایل و عظمت این بنیان مقدس، برترین راه آن است که به قرآن کریم دل بسپاریم و حقیقت قرآن را در این رابطه دریابیم.

1 . نور: ۳۶ .

2 . میرزا حسین نوری، مستدرک الوسائل، ج ۳، ص ۳۶۳، باب ۳ از ابواب احکام المساجد، شماره ۱۸ .

3 . همان، ص ۳۶۲ .

در قاموس فرهنگ وحی، مسجد متعلق به ذات پاک‌ی است که سرچشمه تمام بزرگی‌هاست: «وَأَنَّ الْمَسَاجِدَ لِلَّهِ فَلَا تَدْعُوا مَعَ اللَّهِ أَحَدًا».^۴ پروردگاری که خود، مسجد را بزرگ داشته، به بزرگداشت آن نیز فرمان داده^۵ و این مکان را مرکز پرستش خالصانه و توحید ناب قرار داده است.^۶ مسجد جایگاه زمزمه و نجوای صادقانه با معبود است: «وَأَقِيمُوا وَجُوهَكُمْ عِندَ كُلِّ مَسْجِدٍ وَادْعُوهُ مُخْلِصِينَ لَهُ الدِّينَ»؛^۷ مسجد، پایگاه عروج انسان از خاک به افلاک است: «سَبْحَانَ الَّذِي أَسْرَى بِعَبْدِهِ لَيْلًا مِنَ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ إِلَى الْمَسْجِدِ الْأَقْصَى»؛^۸ مسجد، زیارتگاه خاص خداوند است: «أَلَا طُوبَىٰ لِعِبَادِهِ تَوْضًا فِي بَيْتِهِ ثُمَّ زَارَنِي فِي بَيْتِي»؛ خوشا به حال بنده‌ای که در خانه خویش وضو بگیرد، آن‌گاه مرا در خانه‌ام زیارت کند. انوار تابناک و بی‌آلایش پرستش در مسجد، برای عرش‌نشینان پرتوافکنی می‌کند، آن‌سان که ستارگان آسمان برای ما خاک‌نشینان نورافشانی می‌کنند. یکی از نقش‌های اساسی مسجد، فراهم کردن زمینه عبادت پر حضور و خاشعانه است تا مؤمنان در آنجا با پرداختن به نماز، ذکر و دعا، زنگار غفلت از دل و جان بشویند و با خداوند متعال انس بگیرند. پس ساختن، تعمیر کردن و آبادان نگاه داشتن این جایگاه پرفروغ، افزون بر آنکه نشان ایمان محسوب می‌گردد، تنها در قلمرو

4 . جن: ۱۸ .

5 . نور: ۳۶ .

6 . جن: ۱۸ .

7 . حج: ۴ .

8 . اسرا: ۱ .

صلاحیت مؤمنان خداجوی جای گرفته است^۹ تا آنان با الهام از جوهر ایمان که خمیرمایه جان‌های پاکشان گشته، این بنای مقدس را از بن بر پایه استوار «تقوا» و «خشنودی خداوند» پی‌ریزی کنند^{۱۰} و در نتیجه، دستان ناپاکی که با گفتار و کردار بر کفر و شرک و آلودگی خویش گواهی می‌دهند، از عمارت آن کوتاه بماند.^{۱۱}

عبادت و راز و نیاز با خداوند، نیاز واقعی و فطری هر انسان و مکمل، بلکه مقوم شخصیت اوست. اگرچه عبادت در هر مکانی این نیاز روحی را به‌طور نسبی تأمین می‌کند، ولی این نیاز در مسجد و عبادتگاه بهتر و کامل‌تر تأمین می‌شود. بر این پایه، انسان بنا به فطرت خویش، معبد و مسجد را دوست می‌دارد و بدان عشق می‌ورزد. پژوهش‌های تاریخی حاکی از آن است که معبد با انسان، همراه و همزاد بوده است. از این‌رو، معصومان علیهم‌السلام در سخنان خویش، مسجد را آشیانه و پناهگاه مؤمن برشمرده‌اند؛ پناهگاهی که انسان در آن از دغدغه و اضطراب فاصله می‌گیرد و به آرامش و سکون دست می‌یابد. امام صادق علیه‌السلام به مسلمانان سفارش می‌کند که هنگام رویارویی با مشکلات و اندوه‌های دنیوی، به نماز و مسجد پناه ببرند. در کتاب کریم الهی نیز رونق مساجد تا بدانجا مهم شمرده شده که یکی از رازهای تشریح فریضه «جهاد» پاسداری از پرستشگاه پر عظمت در برابر یورش حاکمان خودکامه و ستمگر است^{۱۲}؛ زورمدارانی که چون بر تخت نشینند،

۹ . توبه: ۱۸ .

۱۰ . توبه: ۱۰۹ .

۱۱ . توبه: ۱۷ .

۱۲ . حج: ۴۰ .

به انهدام و ویرانی مساجد همت می‌گمارند و در راستای رکود و کاستی آن از هیچ تلاش شومی فروگذار نمی‌کنند. راز این امر روشن است؛ آنان با توحید و یکتاپرستی در ستیزند و مسجد، تجلی‌گاه توحید و بنیان برافراشته‌ای است که با قامتی به بلندای همه تاریخ، طنین‌افکن سروش توحید بوده است.

حضور مؤمنان خداجوی در مسجد، حضوری عاشقانه و برخاسته از محبت سرشار آنان نسبت به مسجد است،^{۱۳} که از يك عشق فطری و نیاز طبیعی سرچشمه می‌گیرد؛ همچون رفت و آمد پرندگان به اشیانه و پناهگاه خویش.^{۱۴}

اینان به فرمان « يَا بَنِي آدَمَ خُذُوا زِينَتَكُمْ عِنْدَ كُلِّ مَسْجِدٍ »^{۱۵} خود را به زینت «اخلاص» و «فرمانبرداری از حق» می‌آرایند و برای زمزمه عاشقانه با محبوب، ندای « وَادْعُوهُ مُخْلِصِينَ لَهُ الدِّينَ »^{۱۶} را عملاً پاسخ می‌گویند.

در نگاه آنان، این محبت، از عشق ورزیدن به دیگر مقدسات دینی جدایی‌ناپذیر است. آن‌ها عشق به مسجد و حضور در آن را حلقه‌ای از يك زنجیره می‌یابند؛ زنجیره‌ای که از چند عشق ناگسستنی و به هم پیوسته ترکیب یافته است: عشق به آفریدگار جهان، عشق به پیام‌آور بزرگ او، یعنی حضرت محمد صلی‌الله‌علیه‌وآله، عشق به خاندان پاک

13 . شیخ حر عاملی، وسائل الشیعه، ج ۲، ص ۴۸۲، باب ۲ از ابواب احکام المساجد، روایت ۴ .

14 . میرزا حسین نوری، مستدرک الوسائل، ج ۲، ص ۳۶۱، باب ۲، روایت ۱۴ .

15 . اعراف: ۳۱ .

16 . اعراف: ۲۹ .

پیامبر صلی الله علیه و آله عشیق به کتاب آسمانی و عشیق به مسجد؛ که: «مَنْ أَحَبَّ اللَّهَ فَلْيَجِنِّي وَمَنْ أَحَبَّنِي فَلْيَحِبَّ عِزَّتِي وَمَنْ أَحَبَّ عِزَّتِي فَلْيَحِبَّ الْقُرْآنَ وَمَنْ أَحَبَّ الْقُرْآنَ فَلْيَحِبَّ الْمَسَاجِدَ...»^{۱۷}. بدین منظور است که قرآن مجید، آنان که دین باوران و حق جویان را از ذکر و یاد خدا در مسجد باز می‌دارند و یا در راستای آن گام می‌نهند از ستم پیشه‌ترین انسان‌ها معرفی نموده: «وَمَنْ أَظْلَمُ مِمَّنْ مَنَعَ مَسَاجِدَ اللَّهِ أَنْ يُذَكَّرَ فِيهَا اسْمَهُ وَ سَعَى فِي خرابها...»^{۱۸} و کیفر این افراد را خذلان و خواری دنیا و عذاب عظیم الهی در سرای جاودانه دانسته است.^{۱۹}

مسجد، کانون درخشانی است که انوار تابناک الهی را بر گستره زمین می‌پراکند: «المساجد انوار الله»^{۲۰} مسجد همچنین به عنوان برترین و گرمی‌ترین مکان‌های زمین شناخته شده است^{۲۱} و در جایگاه اصیل خویش بنایی است مبارک، فرخنده و به دور از کژی و گمراهی، آن‌گونه که اهلش نیز بر کنار از ضلالتند.^{۲۲} اهل مسجد نیک می‌دانند که هرگام متواضعانه و به دور از شائبه‌ای در مسیر آمد و شد به مسجد، نشانی از عبودیت و خاکساری به آستان و سرای معبود است و آگاهند این قدم‌ها همگی در کتابی که هیچ کوچک و بزرگی را فرو نمی‌گذارد، ثبت و درج

17 . میرزا حسین نوری، مستدرک الوسائل، ج ۳، ص ۳۵۵ باب ۱ از ابواب احکام المساجد، روایت ۲ .

18 . بقره: ۱۱۴ .

19 . بقره: ۱۱۴ .

20 . میرزا حسین نوری، مستدرک الوسائل، ج ۳، ص ۴۴۸ باب ۵۴ از ابواب احکام المساجد، روایت ۲۰ .

21 . شیخ حرعاملی، وسائل الشیعه، ج ۱۲، ص ۳۴۴، باب ۶۰ از ابواب آداب التجاره روایت ۱ .

22 . میرزا حسین نوری، مستدرک الوسائل، ج ۳، ص ۳۵۵، باب ۱ از ابواب احکام المساجد، روایت ۲ .

می‌شود: «وَنَكْتُبُ مَا قَدَّمُوا وَآثَرَهُمْ...»^{۲۳}

دل‌باختگان مسجد بر حضور مداوم در خانه دوست پایداری می‌ورزند و تنها به دنبال کسب رضوان الهی هستند.^{۲۴} آنان ارمغان همنشینی با صدیقان و شهیدان و حضور در محفل پیام‌آوران بزرگ الهی در بهشت را در سایه آمد و شد به مسجد به چنگ می‌آورند،^{۲۵} نوری متلألئ که در پرتو آن، تاریکی‌های جهان دیگر را همچون برق می‌پیمایند، نصیبتان می‌شود^{۲۶} و رحمت و آسایشی از سوی خداوند آنان را در بر می‌گیرد. اینان سهل و آسان بر «صراط» گذر می‌کنند^{۲۷} و در کنار عشق خدا ماوی می‌گزینند.^{۲۸}

مسجد در آیین اسلام ناب و پاک محمدی صلی‌الله‌علیه‌وآله مرکز نشر معارف بلند آسمانی نیز هست.^{۲۹} خداجویان و حق‌طلبان، گوهر گران‌بهای آشنایی با دین و فهم آن را در این مرکز مقدس بدست می‌آورند و دین را چنان که هست از زبان روحانیان دین‌باور و دانشمندان متعهد اسلامی فرا می‌گیرند. زمزمه آیات جانفزای قرآنی، آگاهی بر گوشه‌ای از رازهای

۲۳ . یس: ۱۲ .

۲۴ . اقتباس از روایت موجود در *وسائل الشیعه*، ج ۳، ص ۴۸۲، باب ۳ از ابواب احکام المساجد، روایت ۶ .

۲۵ . میرزا حسین نوری، *مستدرک الوسائل*، ج ۳، ص ۳۶۵، باب ۴ از ابواب احکام المساجد، روایت ۴ .

۲۶ . شیخ حر عاملی، *وسائل الشیعه*، ج ۱، ص ۲۶۸، باب ۱۰ از ابواب الوضوء، روایت ۵ .

۲۷ . میرزا حسین نوری، *مستدرک الوسائل*، ج ۳، ص ۳۶۲، باب ۳ از ابواب احکام المساجد، شماره ۱۸ .

۲۸ . همان، ص ۳۶۵، باب ۴، روایت ۳ .

۲۹ . با توجه به روایت موجود در *وسائل الشیعه*، ج ۳، ص ۴۸۰، باب ۳ از ابواب احکام المساجد، روایت ۱ .

پنهان کلام الهی، تفسیر و تبیین معارف و احکام آسمانی در این مقرّ والا صورت می‌پذیرد. مسلمانان، علوم اسلامی گوناگون، از فقه و حدیث، تفسیر و عرفان گرفته تا تاریخ و مسائل اجتماعی - سیاسی را در خانه خدا، که منزلگاه خود آنهاست، فرا می‌گیرند و بدین سان مسجد در اسلام، کانون مبارزه با جهل و نادانی است. سدی است شکست‌ناپذیر در برابر امواج ویرانگر و بنیان براندازی که فرهنگ و اندیشه دینی را هدف قرار می‌دهد. متأسفانه با وجود این همه جلالت و منزلتی که مسجد داراست، نقش و جایگاه مهم آن حتی بر ما مسلمانان پوشیده و ناشناخته مانده است. چه بسیار کسانی که خود را از این خوان گسترده و چشمه جوشان و دریای بی‌کران، محروم نموده، با این مرکز مقدس ناآشنا و بیگانه‌اند از مسجد، توشه‌ای بر نمی‌گیرند و با آن الفتی ندارند. از این روست که مسجد از آنان، به‌ویژه اگر از همسایگانش باشند، به خداوند متعال شکایتش می‌کند و شکایت آن هم پذیرفته می‌شود و چنین انسان‌هایی از همنشینان و قرب حق تعالی در بهشت بی‌بهره می‌گردند. رحمت الهی با تمام گستردگی‌اش آنها را در بر نمی‌گیرد، نمازهایشان هم اگر بدون عذر از مسجد سرباز زده باشند، مقبول درگاه الهی نمی‌افتد.^{۳۰} اولیاء و بزرگان دین با آنکه مظهر مهربانی و رحمت می‌باشند، به چنین کسانی با دیده عطف نمی‌نگرند.^{۳۱}

مسلمانان بیدار دل نیز به فرمان پیامبر خویش آنان را مؤمن خداجوی و مسلمانی کامل به‌شمار نمی‌آورند.^{۳۲} به امید آنکه همه ما در

³⁰ . همان، ص ۴۷۹، باب ۲ از ابواب احکام المساجد، روایت ۸ .

³¹ . همان، ص ۴۷۸، روایات ۲، ۶، ۷، ۹ .

³² . با توجه به روایات مذکور در شماره قبل و نیز ر.ک: شیخ صدوق، *علل الشرائع*، ج ۲، ص ۳۲۵، باب ۱۸ :
عله‌الجماعه .

زمره پاسداران حقیقی مساجد بوده و همه روزه با حضور در آنها و به پای داشتن فریضه نماز در صفوفی منظم، پیوستگی و همبستگی خویش را با همه هم‌نوعان خود به نمایش بگذاریم و از این راه اولاً، امیدهای واهی دشمنان پیدا و پنهان جامعه اسلامی را به یأس و ناامیدی مبدل سازیم و ثانیاً، به قدر توان خویش در راستای آبادانی و رونق این مکان مقدس تلاشی پیگیر نماییم تا هم در این جهان سربلند زندگی کنیم و هم در جهان آخرت بهترین فیوضات و پاداش‌های الهی را نصیب خویش گردانیم.

راز نامگذاری مسجد

قرآن کریم علت نامگذاری «مسجد» را چنین می‌داند:
مسجد را «مسجد» گویند؛ زیرا محل سجده و مقرّ تواضع در پیشگاه خداوند متعال است. سجده مظهر بندگی و تعظیم در برابر حق تعالی می‌باشد و در میان تمامی عبادت‌ها حتی نسبت به دیگر اجزای نماز نیز از شرافت و برتری ویژه‌ای برخوردار است. بنابراین، مسجد به معنی محل سجده و نماز و در واقع، به مفهوم جایگاه عبادت و یاد خداوند متعال می‌باشد.^{۳۳}
در قرآن کریم از مسجد به عنوان «بیت‌الله» نیز یاد می‌شود.^{۳۴}
راز این نامگذاری آن است که مردم در این مکان به سوی خداوند متعال

³³ . جن: ۱۸ .

³⁴ . نور: ۳۶ . وسائل الشیعه، ج ۱ ، ص ۲۶۸ ، باب ۱۰ از ابواب الوضوء روایت ۵ .

تَقَرَّبَ می‌جویند و با عبادت خالصانه و پرحضور به سوی او ره می‌سپارند. همان‌گونه که انسان برای یافتن کسی او را در خانه‌اش می‌جوید، برای بار یافتن در محضر خاص پروردگار و ملاقات با وی نیز باید به مسجد که منزلگه اوست بشتابد. پس خانه خدا در حقیقت، خانه مردم و محل گرد آمدن آنان برای پرستش و بندگی حق تعالی است. قرآن همچنین کعبه را که برترین خانه خدا روی زمین است، خانه‌ای برای مردم به شمار آورده و می‌فرماید:

« إِنَّ أَوَّلَ بَيْتٍ وُضِعَ لِلنَّاسِ لَلَّذِي بِبَكَّةَ ۚ »^{۳۵}

مسجد؛ کانون پرستش خالصانه

معمولاً در قرآن کریم، هر جا سخن از مسجد به میان آمده، جنبه‌های عبادی آن در اولویت قرار گرفته و به عنوان نقش اولیه و بنیادین این جایگاه مقدس به شمار رفته است.

در آیه‌های متعددی، مسجد جایگاه عبادت و یاد خداوند جلّ و علا شناخته شده است. قرآن کریم در جایی می‌فرماید:

« وَ أَنَّ الْمَسَاجِدَ لِلَّهِ فَلَا تَدْعُوا مَعَ اللَّهِ أَحَادًا ۚ »

در تفسیر «مجمع‌البیان» درباره کلمه مساجد در آیه مزبور، چهار معنا از مفسران نقل شده است. برخی برآنند که مراد از آن اعضای هفتگانه است که انسان باید در هنگام سجده آنها را بر زمین گذارد. از امام محمد تقی علیه‌السلام نیز روایتی نقل شده که ایشان در جواب معتصم، آیه شریفه را همین گونه تفسیر نموده‌اند.^{۳۶}

^{۳۵} . آل‌عمران: ۹۶ .

^{۳۶} . ر.ک: وسائل‌الشیعه، ج ۱۸ ، ص ۴۹۰ ، باب ۴ از ابواب السرقه، روایت ۵ .

برخی از مفسران برآنند که مقصود از «مساجد» در این آیه، همه زمین است؛ زیرا همان‌گونه که ذکر گردید، در آیین محمدی صلی الله علیه و آله همه زمین مسجد و پرستشگاه است. بر اساس معنای سوم، این کلمه در معنای نماز بکار رفته است، زیرا مسجد به مفهوم سجده است و مراد از سجده نیز تمامی نماز است. سرانجام، معنای چهارم آن است که منظور از مساجد، مکان عبادت مسلمانان می‌باشد؛ همان مفهومی که ای بسا ذهن هر مسلمانی با شنیدن واژه مسجد آن را به یاد می‌آورد. شاید بتوان گفت: روشن‌ترین معنا برای آیه مورد بحث، همین معنای اخیر است که بر پایه آن، مساجد به معبد و پرستشگاه مسلمانان تفسیر شده است. این مفهوم با آنچه که از امام جواد علیه السلام نیز درباره این آیه نقل شده است منافات ندارد، بلکه با این سخن ایشان پرده از معنای باطن و پنهان آیه برداشته‌اند؛ زیرا خود فرموده‌اند: قرآن گاه دارای معانی مختلف هفتادگانه است.^{۳۷} خداوند متعال در آیه دیگری از قرآن کریم می‌فرماید:

« وَ أَقِيمُوا وُجُوهَكُمْ عِنْدَ كُلِّ مَسْجِدٍ وَادْعُوهُ مُخْلِصِينَ لَهُ الدِّينَ ».^{۳۸}

در مورد معنای کلمه «مسجد» در این آیه نیز مباحثی شبیه آنچه در آیه قبل گذشت، مطرح شده است.^{۳۹} چنانچه واژه مسجد را به معبد و پرستشگاه مسلمانان تفسیر کنیم، از این آیه استفاده می‌شود که مسجد، جایگاه دعا و عبادت خالصانه

³⁷ . در روایتی که از پیامبر صلی الله علیه و آله و اهل بیت علیهم السلام پیرامون تفسیر آیات قرآن مجید وارد شده فراوان یافت می‌شود که ایشان گاه برای يك آیه معانی گوناگونی را ذکر کرده‌اند؛ این امر گویای علم گسترده آنان به متون قرآن و معانی پوشیده آن است.

³⁸ . اعراف: ۲۹ .

³⁹ . ر. ک: فضل بن حسن طبرسی، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، ج ۴، ص ۴۱۱ .

است؛ زیرا خداوند ابتدا انسان را فرمان می‌دهد که در مسجد حضور یابد، آن‌گاه از او می‌خواهد که دعا و عبادت خویش را با اخلاص کامل انجام دهد و این آیه به روشنی مفهوم فوق را نمایان می‌سازد.

مسجد؛ خانه ذکر و یاد خدا

قرآن کریم در جایی دیگر، صریحاً مسجد را جایگاه ذکر و یاد خداوند متعال معرفی می‌نماید؛ آنجا که می‌فرماید:

« أذن للذين يقاتلون بأنهم ظلموا وإن الله على نصرهم لقدير الذين أخرجوا من ديارهم يغير حق إلا أن يقولوا ربنا الله ولولا دفع الله الناس بعضهم ببعض لهدمت صوامع وبيع وصلوات ومساجد يذكر فيها اسم الله كثيراً. »^{۴۰}

در ارتباط با این آیات چند نکته درخور توجه است:

۱. بر پایه سخن مفسران، این آیات اولین فرمانی است که در زمینه تشریح «جهاد» نازل گشته است.^{۴۱} این آیات، اولین پیام آسمانی است که به مسلمانان اجازه می‌دهد در برابر تجاوز و آزارهای مشرکان قریش و هر متجاوز دیگری به دفاع از خویش برخیزند. تا پیش از نزول این فرمان، مسلمانان بارها از سوی مشرکان مورد آزار و اذیت قرار می‌گرفتند و به همین منظور نزد پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله می‌آمدند و از ستم و آزار قریش گلایه می‌کردند. ولی پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله در پاسخ آنان می‌فرمود: هنوز خداوند متعال مرا به جنگیدن فرمان نداده است.^{۴۲}

40 . حج: ۳۹ - ۴۰ .

41 . ر. ك: مجمع‌البیان فی تفسیر القرآن، ج ۷، ص ۸۷؛ ابن هشام نیز به نقل از عروة بن زبیر و جمعی از علما می‌گوید: این آیات، اولین آیاتی است که طی آن به پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله اذن جنگ و جهاد با کافران داده شده است. ر. ك: السیره النبویه، ج ۲، ص ۱۱۰.

42 . همان.

۲. در فرمانی که از سوی سخنوری حکیم صادر می‌شود، چنانچه بنا باشد علت و راز صدور آن نیز بیان شود، مهم‌ترین انگیزه‌ای که در صدور آن نقش داشته مطرح خواهد شد. خداوند متعال در آیات یاد شده در بیان رمز و راز تشریح جهاد می‌فرماید: اگر در ادیان الهی جهاد و مبارزه تشریح نمی‌شد و در نتیجه، مؤمنان چیره و دشمنان دین مغلوب نمی‌شدند؛ معابد و پرستشگاه‌ها به ویرانی می‌گرایید. این نکته از يك سو، نشان اهمیت ویژه و جایگاه والای مسجد در مجموعه دین است و از سوی دیگر، اشاره به این موضوع دارد که مسجد، پرچم دین و نشان و مظهر اسلام و مسلمانی است. پیام دیگر آیات یاد شده در این نکته آن است که یکی از اهداف جهادگران مسلمان، تلاش برای رونق بخشیدن به مساجد و جلوگیری از خرابی و رکود آنهاست. این مسأله به عنوان آرمانی مقدس، آرزوی همه مسلمانانی است که صادقانه در جهت برپایی حکومت حق و عدل تلاش می‌کنند. این موضوع در آیه بعدی به شکلی صریح و روشن بیان شده است: **«الَّذِينَ إِذَا مَكَتَاهُمْ فِي الْأَرْضِ أَقَامُوا الصَّلَاةَ»**^{۴۳}

پس آرمان اساسی آنان که برای برپایی حکومت الهی تلاش و مبارزه می‌کنند، آن است که مظاهر پرستش و بندگی خداوند در زمین، یعنی مساجد، آباد و پررونق باشد؛ زیرا اگرچه «نماز» باید تمامی تار و پود يك جامعه اسلامی را فرا گیرد و در همه جا به معنای حقیقی کلمه برپا شود. اما جایگاه اصلی نماز، «مسجد» است. بنابراین، تلاش و کوشش برای گسترش فرهنگ نماز در جامعه، از تلاش در راه

گرمی و توسعه مساجد جدا نیست.
۳ . خداوند در بیان وصفی از اوصاف مسجد می‌فرماید: «در این مکان یاد خدا فراوان می‌شود.» می‌دانیم که سخنور حکیم هر گاه در صدد توصیف چیزی برآید، به ذکر وصفی یا اوصافی از آن می‌پردازد که در نظر وی دارای برجستگی و اهمیت ویژه‌ای باشد. به طور طبیعی، کسانی که مخاطب چنین سخنی قرار می‌گیرند نیز باید آن ویژگی را مورد توجه بیشتری قرار دهند. خداوند متعال در مقام توصیف و بیان ویژگی مسجد، از این مکان مقدس به عنوان محلی که «نام خداوند در آن فراوان برده می‌شود» یاد فرموده است. این امر صریحاً مشخص می‌نماید که نقش اولیه و بنیادین مسجد در اسلام آن است که جایگاه ذکر و یاد حق تعالی باشد و مؤمنان در آنجا با نام‌های نیکوی خداوند، او را بخوانند و در این جایگاه مقدس است که بشر بر پایه فطرت خود، توحید و یگانگی خداوند را درک می‌کند و با یاد دایمی او خود را از امواج دغدغه‌ها و اضطراب‌ها دور می‌نماید و به ساحل آرامش و اطمینان می‌رساند.

مسجد؛ خانه تسبیح و ذکر مردان خدا

این نکته که مسجد جایگاه حضور مؤمنان برای ذکر و تسبیح خداست، در آیه‌ای دیگر از قرآن کریم مورد تأکید قرار گرفته است. خداوند متعال می‌فرماید:

« فِي بُيُوتِ أَذْنِ اللَّهِ أَنْ تُرْفَعَ وَيُذْكَرَ فِيهَا اسْمُهُ يُسَبِّحُ لَهُ فِيهَا بِالْغُدُوِّ وَالْآصَالِ رِجَالٌ لَا تُلْهِيهِمْ تِجَارَةٌ وَلَا بَيْعٌ عَنِ ذِكْرِ اللَّهِ وَإِقَامِ الصَّلَاةِ وَإِيتَاءِ الزَّكَاةِ يَخَافُونَ يَوْمًا تَتَقَلَّبُ فِيهِ الْقُلُوبُ وَالْأَبْصَارُ »^{۴۴}

علامه بزرگوار، عارف بالله سید محمدحسین طباطبایی
- رضوان الله علیه - در تفسیر این آیه سخنانی دارند که حاصل آن
چنین است:

مقصود از «رفع» در این آیه، بالا بردن قدر و منزلت مسجد،
یعنی تعظیم و بزرگداشت آن است. اساساً عظمت و بزرگی از آن خداوند
است. هر کس به همان میزانی که با خداوند پیوند و نسبت دارد،
در عظمت و بزرگی با وی شریک است. پس اگر خداوند به بزرگداشت
چیزی اذن می‌دهد، در واقع با توجه به پیوند و ارتباطی است که آن چیز
با خداوند متعال پیدا کرده است. از آنچه ذکر گردید روشن می‌شود که راز
تعظیم مسجد صفتی است که پس از کلمه «مسجد» ذکر گردیده و آن
«بردن نام خداوند در مسجد» است... .

در باره کلمه بیوت نیز ایشان می‌فرماید:

«قدر مسلم از معنای آن، همان مساجد است که جایگاهی ویژه
برای ذکر نام خداست و به همین منظور بنا شده». ایشان به هنگام بحث از
روایت‌هایی که پیرامون این آیات وجود دارد نیز با ذکر روایتی می‌فرماید:
«خانه‌های پیامبران و ائمه علیهم‌السلام نیز از مصادیق کلمه بیوت است».^{۴۵}
همان‌گونه که ملاحظه می‌شود در این آیه نیز وصفی که برای
مسجد ذکر شده آن است که در مساجد نام خداوند برده می‌شود و مردان
خدا برای تسبیح حق تعالی در صبح و شام بدان روی می‌آورند و این نکته
به روشنی آشکار می‌کند که رسالت اولیه و اساسی مسجد در اسلام،
کانون عبادت، ذکر و تسبیح خداوند متعال بودن آن می‌باشد.

45 . ر. ک: تفسیرالمیزان، ج ۱۵، ص ۱۲۶ و ۱۴۲؛ همچنین ر. ک: سیمای مسجد، ص ۴۲ و ۴۳.

آبادانی مسجد از دیدگاه قرآن

« إِنَّمَا يَعْمُرُ مَسَاجِدَ اللَّهِ مَنْ آمَنَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ... »^{۴۶} مساجد الهی را فقط کسی آباد می‌کند که ایمان به خدا و روز قیامت آورد و نماز را به پا دارد و زکات را پردازد و از چیزی جز خدا نترسد. امید است چنین گروهی هدایت یابند.

منظور از آباد ساختن مساجد در منظر قرآن، صرفاً آبادی ساختمان نیست، بلکه به معنای اجتماع و شرکت در مسجد نیز می‌باشد. بنابراین، مشرکان نه حق شرکت در مساجد را دارند و نه حق تعمیر و بنای ساختمان آنها را. عمران و آبادانی مسجد به هر شکلی که باشد، باید به دست مسلمانان انجام گیرد. البته متولیان و پاسداران مساجد نیز باید از بین پاک‌ترین افراد انتخاب شوند. باید دست‌های ناپاک را از تمام این مراکز مقدس کوتاه کرد.

از روزی که گروهی از زمامداران جبار یا ثروتمندان آلوده و گنهکار دست به ساخت مساجد و مراکز اسلامی زدند، روح معنویت و برنامه‌های سازنده در آنها مسخ گردید. از این‌رو، می‌بینیم که بسیاری از این گونه مساجد، در کشورهای اسلامی، شکل مسجد ضرار به خود گرفته است؛ یعنی ساختمان‌های عظیم و با شکوه و دارای جلوه‌های ظاهری و زیبا، اما درون تهی و بی‌روح. ممکن است بعضی بگویند: چه مانعی دارد که از سرمایه‌های غیرمسلمانان برای عمران و آبادی این مراکز استفاده نماییم؟ این افراد

توجه به این نکته اساسی ندارند که اسلام همه جا عمل صالح را میوه درخت ایمان می‌شمرد. نیت‌های ناپاک ممکن نیست عمل پاکی په‌وجود آورند و محصول مفیدی از خود نشان دهند. جمله «لم یخس الا الله» در دنباله آیه روشن می‌کند که عمران، آبادی و نگهداری مساجد، جز در سایه شهادت و شجاعت ممکن نیست. هنگامی این کانون‌های اسلامی به صورت مراکز انسان‌سازی در می‌آیند که پاسداران شجاعی داشته باشند؛ کسانی که از هیچ‌کس جز خدا نترسند، تحت تأثیر هیچ مقام و قدرتی قرار نگیرند و برنامه‌ای جز برنامه‌های الهی در آن پیاده نکنند. در يك کلام و به تعبیر دیگر، آنچه از دیدگاه قرآن مهم‌تر است، عمران و آبادی معنوی مساجد است. یعنی مسجد باید کانونی باشد برای هرگونه حرکت و جنبش سازنده اسلامی، در زمینه آگاهی و بیداری مردم، پاکسازی محیط و آماده ساختن مسلمانان برای دفاع از میراث اسلام. مساجد خدا را فقط کسانی آباد می‌کنند که ایمان به خدا دارند؛ زیرا آبادانی آن‌ها فقط روی هم گذاشتن سنگ و آجر نیست، که این کار را طاغوتیان بهتر انجام می‌دهند، بلکه ساختن بااخلاص، رونق دادن آن با حضور، اجتماع نمازگزاران، زکات دادن و آن را محراب قرار دادن برای مبارزه با شیطان نفس و دشمنان خدا مراد است. عرفا گفته‌اند: «مساجد اعضای بنده است که به وقت سجود بر زمین نهاده، عمارتش آن است که آن را به ادب شرع دارند و به زیور حرمت بیاریند و هرگز پیش مخلوق از بهر دنیا بر زمین نهند و جز خدای عزوجل را استحقاق سجود ندانند».

فخر رازی درباره ارتباط زکات و عمارت مسجد می‌نویسد:

«اعتبار اقامه نماز و پرداخت زکات در عمران و آبادی مسجد،

گویی دلالت دارد بر اینکه آبادی مسجد به حضور در آن است؛ زیرا وقتی انسان نمازگزار باشد در مسجد حضور به هم می‌رساند و مسجد را رونق می‌بخشد و وقتی زکات دهنده باشد، طوایف فقرا و مساکین برای دریافت زکات به مسجد روی می‌آورند و بدین وسیله، این امکان معنوی آباد می‌گردد».

تأکید پیشوایان دین بر جنبه‌های عبادی مسجد

در سخنان معصومان علیهم‌السلام نیز به پیروی از قرآن کریم بر جنبه‌های عبادی مسجد، فراوان تأکید شده است:

دقت در عمل به احکام و آداب مسجد نشان می‌دهد که پیشوایان دین برآیند تا مسجد جایگاهی مناسب برای ذکر و یاد حق تعالی باشد و مؤمنان بتوانند در آنجا با حضور قلب خدای را پرستش کنند. آنان بر همین پایه، از انجام هر کاری که ممکن است مسجد را از ایفای چنین نقشی باز دارد، نهی نموده‌اند.

آراستن مساجد با طلا، نقاشی کردن مسجد، خرید و فروش، قضاوت کردن و اقامه حدود در مسجد، راه دادن دیوانگان و خردسالان به مسجد، بلند کردن صدا و به زبان آوردن سخنان بیهوده، اعلام اشپای گمشده و پیدا شده در مسجد و اموری از این دست، هر کدام می‌تواند انسان را از توجه شایسته به نماز و عبادت مسجد باز دارد. گاه اتفاق می‌افتد رفتار دیوانه‌ای در مسجد یا کارهای بی‌چهارگانه کودک خردسال افکار نمازگزاران را پریشان کند. اعلام چیزی پیدا یا گم شده، جمعی را از توجه به نماز و عبادت باز می‌دارد. بیرون آوردن شمشیر از غلاف یا آویزان نمودن آن در سمت قبله مسجد ممکن است برای نمازگزار یا کسی که به قرائت قرآن یا ذکر و دعا مشغول است، ایجاد

هراس و وحشت نماید و او را از عبادت باز دارد. تأکید بر حضور در مسجد با حالت طهارت و پاکیزگی، ترغیب نمازگزاران نسبت به آراستن خویش و استفاده از عطر و بوی خوش و برطرف نمودن بوی بد دهان و بدن به هنگام حضور در مسجد نیز بر همین پایه است. گاه دیده می‌شود بوی ناخوشایند بدن کسی در مسجد فضا را برای جمعی از نمازگزاران غیرقابل تحمل می‌کند و در نتیجه، آنان را از عبادت توجه شایسته به خداوند باز می‌دارد. سخن گفتن درباره امور دنیوی نیز با محیط عبادت و یاد خداوند تناسبی ندارد؛ گفتگوی دو یا چند نفر پیرامون امور دنیوی، زمینه مساعدی را برای تشویش افکار ذاکران و نمازگزاران فراهم می‌نماید.

پیشوایان دین افزون بر بیان چنین احکام و دستورهایی، در سخنان خویش با تعبیرهای گوناگون بر این نکته که مسجد اساساً برای عبادت و یاد خدا بنا شده، پای فشرده‌اند. پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله خطاب به شخصی که در مسجد اعلام می‌کرد چیزی را گم کرده است و هم خطاب به کسی که در مسجد به تراشیدن تیر مشغول بود، فرمودند: «...إنها لغير هذا بئیت»؛⁴⁷...مسجد را برای چنین کارهایی نساخته‌اند. از چنین سخنانی به روشنی استفاده می‌شود که مسجد در اسلام، محلّی برای عبادت و یاد خداست. لحن این گفتارها نشان می‌دهد این نکته که مسجد به عنوان مرکز عبادت و بندگی خداست، آن‌چنان در باور و اندیشه مسلمانان مسأله‌ای روشن بوده است که پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله تنها به بیان

47 . شیخ حر عاملی، وسائل الشیعه، ج ۳، ص ۴۹۶ باب ۱۷ از ابواب احکام المساجد، روایت ۳ و نیز ر. ک: شیخ صدوق، من لایحضره الفقیه، ج ۱، باب فضل المساجد و حرمتها، ص ۲۳۷، رقم ۷۱۴.

اینکه «مسجد را برای این کارها نساخته‌اند» اکتفا نموده‌اند.^{۴۸} گرچه در مواردی، برای بیدار نمودن غافلان، به نقش و رسالت اولیه مسجد تشریح شده است. پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله خطاب به کسی که در مسجد شعر می‌سرود، فرمودند:

«... **أَنَا نُصِبَتِ الْمَسَاجِدُ لِلْقُرْآنِ**»؛^{۴۹} ... مساجد را برای قرآن خواندن

ساخته‌اند.

و در مقام بیان فضیلت مسجدسازی می‌فرمایند:

«**مَنْ بَنَى مَسْجِدًا لِيَذْكُرَ اللَّهَ فِيهِ بَنَى لَهُ بَيْتًا فِي الْجَنَّةِ**»؛^{۵۰} کسی که

مسجدی را به این انگیزه که یاد خدا در آن شود، بنا نهد، خانه‌ای در بهشت برای او ساخته می‌شود.

چنین سخنانی به روشنی رسالت اولیه مسجد را، که پرستشگاه بودن آن است، بیان می‌کند.

48 . ر. ك: رحيم نوبهار، سيمای مسجد، ص ۴۷ و ۴۸ .

49 . وسائل الشیعه، ج ۳، ص ۴۹۲، باب ۱۴ از ابواب احکام المساجد، روایت ۱ .

50 . فتاویٰ نیشابوری، روضه الواعظین، چاپ مؤسسه اعلمی، بیروت، ص ۳۷۰ .